

مدیریت بحران صدور نفت ایران در دوران جنگ تحمیلی

مجید عباسی (اشلقی)^۱

سعید یعقوبی^۲

چکیده

ایران در دوران جنگ تحمیلی، بحران‌های متعددی را سپری کرد که از آن جمله می‌توان به بحران صدور نفت و تلاش‌های رژیم بعث عراق و متحدانش در جلوگیری از صادرات نفت ایران و تکاپو برای تنزل منابع مالی اشاره کرد. در این راستا، تمرکزگرایی تأسیسات صادرات نفت ایران در جزیره خارک به منزله نقطه آسیب‌پذیر ایران در این جنگ به شمار می‌رفت و عراق نیز با عنایت به همین موضوع در پی به صفر رسانیدن منبع درآمد ارزی کشور بود. کاهش منابع ارزی و به پای میز مذاکره کشاندن ایران در هنگامه‌ای که ایران هیچ‌گونه قدرت چانه‌زنی دیپلماتیک نداشت، از جمله اهداف عراق در حملات مکرر به تأسیسات جزیره خارک بود. بدین ترتیب سؤال اصلی تحقیق این است: به چه نحوی ایران توانست بحران صدور نفت خود را در جنگ ایران و عراق سپری و مهار کند؟ نویسندگان درصدد هستند با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی، مدیریت بحران صدور نفتی ایران در دوران دفاع مقدس را مورد تحلیل قرار دهند. یافته‌های پژوهش نشان از این دارد که مقامات بلند پایه کشور به پشتوانه مردم و ابتکارات متخصصان و نیز فداکاری قوای مسلح، با تدبیر نیز این بحران را از طریق تمرکززدایی و انبوه‌زدایی از مراکز صدور نفت ایران مهار کردند. در واقع آنان مجموعه عواملی را برای مقابله با پیامدهای صدمه‌های ایجاد شده بحران صادرات نفت ایران و تخفیف عواقب منفی آن طراحی کرده بودند تا همزمان با کاهش آسیب‌پذیری فزاینده، ظرفیت‌های رشد یابنده فزونی یابد و امکانات و تمهیدات رژیم بعث عراق برای وادار کردن ایران به قبول شرایط و وضع مورد نظر بی‌اثر شوند. بدین ترتیب مدیریت بحران، فشارهای طرف مقابل را برای اعمال قدرت خنثی و زمینه‌گذار از وضعیت اضطراری و بحرانی را به عادی فراهم کرد.

کلید واژه‌ها: بحران، مدیریت بحران، تمرکزگرایی، تمرکززدایی، تأسیسات نفتی.

۱- *Email: dr.majidabbasi@gmail.com*

۲- *Email: Saeedyaghoobi@yahoo.com*

۱- دانشجویان روابط بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبائی

۲- پژوهشگر پژوهشکده مطالعات انقلاب اسلامی (نویسنده مسئول)

مقدمه

اقتصاد وابسته ایران به نفت، شرایط کشور را در دوران جنگ ایران و عراق دشوار می‌کرد؛ زیرا بخش اعظم درآمدهای دولت منوط به تأمین امنیت تأسیسات نفتی برای صادرات به بازارهای جهانی بود. از سوی دیگر، ساختار مراکز صدور نفتی ایران که در همان بدو تأسیس در دوره پهلوی دوم به صورت متمرکز بنا شده بود، شریان حیاتی ایران را آسیب‌پذیر می‌کرد.

تغییر این ساختار تا پیش از آغاز جنگ تحمیلی چندان ضروری به نظر نمی‌رسید، تا این که با شروع جنگ و تقریباً حملات روزانه عراق به این تأسیسات در خارک، بیش از پیش مسئولان را متوجه لزوم این تغییر کرد. در عین حال، رژیم عراق ترجیح می‌داد که به جای یک «جنگ تمیز» و شرافتمندانه با ایران، «جنگی کثیف» و افسار گسیخته و فاقد هرگونه پایبندی به اصول را با حمله به مناطق مسکونی، کاربرد سلاح‌های شیمیایی، تهدید خطوط هوایی مسافری، زدن کشتی‌های تجاری و نفت‌کش‌ها و حمله به تأسیسات نفتی دنبال کند.

عراق که در رزم زمینی توان مقابله با رزمندگان ایران را نداشت، با نقض کنوانسیون‌های بین‌المللی به‌ویژه با راه‌اندازی جنگ شهرها، جنگ نفت‌کش‌ها و حمله به پایانه‌های نفتی ایران سعی در جبران برتری در جنگ با ایران را داشت. این در حالی است که به جزء مراحل آغازین جنگ و نیز دوران پایانی جنگ که با مداخله مستقیم آمریکا همراه بود، ایران به تدریج موازنه قدرت را به نفع خود تغییر داده و برتری خود را در جنگ تثبیت کرده بود. این موضوع رژیم بعث عراق را ترغیب می‌کرد که با اتکا به رویکرد جنگ کثیف، تأسیسات نفتی ایران را که در جزیره خارک متمرکز شده بود، مورد حمله قرار دهد.

این امر در وهله نخست، نشانه‌های ظهور بحران بود. تهاجمات عراق رفته رفته امنیت صادرات نفت کشور را به مخاطره انداخت، به گونه‌ای که با تسلیح نیروی هوایی عراق به سلاح‌های مدرن روسی، فرانسوی و نیز موشک‌های هوا به زمین پیشرفته و سیستم‌های رادار-گریز که می‌توانست پدافند قدرتمند هوایی خارک را بی‌اثر کند، بر محدودیت‌های ایران در صدور نفت افزوده می‌شد. این امور تعادل سیستم صادرات نفت ایران را برهم می‌زد. وضعیت پیش آمده ضرورت تحول در ساختار متمرکز صدور نفت ایران را گوشزد می‌کرد.

با توجه به توضیحات فوق، سؤال اصلی تحقیق این است که: به چه نحوی ایران توانست بحران صدور نفت خود را در جنگ ایران و عراق سپری و مهار کند؟ برای پاسخ به این سؤال، فرضیه اصلی این پژوهش این‌گونه تنظیم می‌شود که، تا پیش از مداخله مستقیم آمریکا در

اواخر جنگ تحمیلی، ایران با تمرکززدایی از مراکز صدور نفت و نیز مجموعه‌ای از تدابیر فرعی دیگر (کاهش ریسک صدور نفت ایران و تهدید به بستن تنگه هرمز) توانست بحران صادرات نفت ایران را برطرف کند.

مقاله حاضر برای پاسخگویی به سؤال تحقیق پس از ذکر «اهمیت تأسیسات نفتی خارک و تمرکزگرایی در منابع صدور نفت ایران»، «اهداف عراق در حمله به تأسیسات نفتی ایران»، «تجهیز عراق به سلاح‌های هدایت‌شونده فوق مدرن در حمله به خارک با آغاز جنگ تحمیلی»، به «تمرکززدایی و شیوه‌های متنوع کردن تأسیسات و مراکز نفتی ایران» می‌پردازد و بدین وسیله فرضیه تحقیق را مورد آزمون و تأیید قرار می‌دهد.

۱- پیشینه پژوهش

اطلاعات و داده‌ها درخصوص وضعیت مراکز و تأسیسات نفتی در طول جنگ ایران و عراق در آثار مربوط به مراکز اسنادی و تحقیقاتی دفاع مقدس ارتش جمهوری اسلامی ایران و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ذکر شده است. البته منابع سپاه پاسداران انقلاب اسلامی از حیث «رویدادها» و «تحلیل» قوی‌تر به نظر می‌رسند.

در این میان، مجلدات روزشمارهای جنگ ایران و عراق که توسط سپاه به رشته تحریر در آمده است، مجموعه گران‌بهایی برای مخاطبان در این موضوع است. همچنین سایر کتاب‌هایی که توسط مراکز وابسته به سپاه، هر برهه از جنگ را با موضوعی خاص دنبال کرده‌اند، به وضعیت تأسیسات نفتی در دوران جنگ تحمیلی پرداخته‌اند، لیکن این اطلاعات و داده‌ها به صورت پراکنده و جست‌وگریخته است.

البته باید در نظر داشت بخشی از این اطلاعات و داده‌ها در هر کشوری از جمله ایران، سری و جزء اسرار کشور به‌شمار می‌رود، لذا تحقیق در این موضوع با محدودیت‌هایی همراه است. با این وجود، یافته‌های تحقیق حاضر با اتکا به مطالب گردآوری شده از مرکز اسناد و مطالعات دفاع مقدس وابسته به سپاه و نیز مجموعه بولتن‌های دفتر سیاسی نمایندگی امام در سپاه و نیز سایر کتب، اصل وقایع و رویدادهای تاریخی مربوطه را به خوبی به تصویر کشیده است.

۲- چارچوب نظری

بحران‌ها، پدیده‌هایی بسیار پیچیده و گوناگون‌اند و کاملاً با بساطت و یک چهره‌گی بیگانه‌اند؛ سریع حادث و اشاعه می‌یابند و در عین‌حال، سریع تخریب می‌کنند و منافع استراتژیک را تهدید می‌کنند. (تاجیک، ۱۳۷۹: ۱۴)

«بحران، بیشتر یک وضعیت اضطراری و آنی است تا یک حالت مزمن. بحران، یک نقطه عطف است و دوره‌ای خطیر از آسیب‌پذیری فزاینده و پتانسیل رشد یابنده است. بحران، نقطه عطف خطیری برای هر ارگانیسم (اعم از فرد، جامعه یا سیستم) با توجه به توانایی و آمادگی هر یک برای انطباق با شرایط جدید است.» (محمدی، ۱۳۹۴: ۲۶)

بحران، اصطلاحی عامیانه است که در پی یافتن معنایی علمی است. همچنین بحران، اختلال شدیدی در تعادل به وجود می‌آورد که شتاب وحشتناکی را در فرایند ارکان نظام به همراه دارد و هماهنگی بین عناصر نظام را برهم می‌زند. (تاجیک، ۱۳۷۹: ۵۲)

از منظر سیستمی، بحران به وضعیتی اطلاق می‌گردد که نظم سیستم اصلی یا قسمتی از آن (سیستم فرعی) را مختل کرده و پایداری آن را برهم می‌زند. به بیان دیگر، از این دیدگاه بحران عبارت از یک دسته حوادث و وقایع که به سرعت حادث گردیده و تعادل نیروها را در سیستم کلی یا سیستم‌های فرعی، بیشتر از حد متعارف (متوسط) برهم زده و شانس و امکان تشدید تخاصم را در سیستم افزایش می‌دهد. (تاجیک، ۱۳۷۹: ۶۱)

در واقع بحران به مثابه «بیماری» یک سیستم تعریف می‌شود که منفعت بازیگران عمده در آن است که آن (سیستم) را به حالت عادی خود بازگردانند. (تاجیک، ۱۳۷۹: ۸۵) همچنین «مدیریت بحران»، هنری است که از رهگذر آن دولت‌مردان، نخبگان و بازیگران در صحنه، نقش تعیین‌کننده خود را در حضور و غیابشان به نمایش می‌گذارند.

به بیانی دیگر، مدیریت بحران هنر فهم و درک این مهم است که چه زمانی در جست‌وجوی یک بحران باشیم و چه زمانی از آن دوری جوییم. در واقع از آن‌جا که عرصه بحران، عرصه بازی هوشمندانه نخبگان و هنرنمایی و فن‌آزمایی آنان است، از این رهگذر دولت‌مردان در صحنه، با ایجاد ظرفیت لازم برای تدبیر و مهار بحران، نقش تعیین‌کننده خود را به نمایش می‌گذارند و با مدیریت بحران، سیستم را از حالتی به مثابه بیماری به حالت عادی باز می‌گردانند و با بهره‌گیری از مهار خسارت از منافع کشور پاسداری می‌کنند.

براین اساس مدیریت بحران معادل حل صلح‌آمیز هر نوع مواجهه و برخورد است. همچنین مدیریت بحران به‌مثابه پیروزی در یک چالش و مواجهه به شمار می‌آید. (تاجیک، ۱۳۷۹: ۸۷-۸۵)

از این رو، هدف اصلی مدیریت بحران در دستیابی به راه‌حلی معقول برای برطرف کردن شرایط غیرعادی به‌گونه‌ای که منافع و ارزش‌های اساسی، حفظ و تأمین گردند. (تاجیک، ۱۳۷۹: ۸۴-۸۳) زیرا؛

«اغلب بحران‌ها از آنجا ناشی می‌گردد که یکی از طرفین درگیر، به وسایل و تمهیداتی برای وادار کردن طرف دیگر به قبول شرایط یا موضع خود فشار و تهدیداتی وارد می‌آورد. بدیهی است که طرف دیگر در مقابل این فشار مقاومت کرده و با توسل به طرق مختلف سعی می‌کند آن را خنثی و بی‌اثر کند.» (کاظمی، ۱۳۶۶: ۱۲۷-۱۲۸)

در واقع «مدیریت بحران به مجموعه عواملی اطلاق می‌شود که برای مقابله با بحران‌ها و کاهش صدمات ایجاد شده طراحی شده است.» (کومیز، ۱۳۹۲، جلد ۱: ۵۳) بدیهی است که این مجموعه عوامل با اتخاذ تدابیر لازم در پی خنثی و بی‌اثر کردن تمهیدات طرف مقابل است تا بدین وسیله باعث گذار سیستم از اضطراری به عادی شود و منافع و ارزش‌های اساسی را حفظ کند. به‌طور مثال در نتیجه بحران صدور نفت که در صورت وخامت می‌توانست تعادل سیستم و ساختار حکمرانی را به‌هم بزند و مختل کند، با شناخت لازم و خلق استراتژی توسط مسئولان و متخصصان امر مورد توجه و در دستور کار قرار گرفت و برطرف گردید و به‌واسطه ایجاد ظرفیت‌ها از اعمال قدرت طرف مقابل جلوگیری و منافع ملی کشور حفظ شد. «کلید مدیریت فوق در واقع همان توان مدیران شرایط بحرانی در توانمند ساختن واحدهای پاسخگو برای انتقال از شرایط بحرانی به عملکرد عادی بود.» (تاجیک، ۱۳۷۹: ۱۰۶) این امر همانا تمرکززدایی و انبوه‌زدایی از مراکز صدور نفت است که به آن پرداخته می‌شود.

به‌طور کلی در انقلاب صنعتی^۱، سیستم‌ها و ساختارها بر «تمرکزگرایی» تأکید می‌کردند، در حالی که با وقوع انقلاب اطلاعاتی (پسا صنعتی)؛ «تمرکززدایی» و «انبوه‌زدایی» از جمله

۱. تمدن بشری تاکنون در قالب سه انقلاب قابل بررسی است:

الف. انقلاب کشاورزی (موج اول) که از حدود ۸۰۰۰ سال قبل از میلاد آغاز و تا حدود ۱۶۵۰-۱۷۵۰ میلادی بلامنازع یک‌ه‌دار میدان بود، ادامه یافت.

ب. انقلاب صنعتی (موج دوم) که با اختراع ماشین بخار در اواخر قرن هفدهم شروع گردید، تا اواسط قرن بیستم به‌طول انجامید.

الزامات تغییر به شمار می‌رفت. به واسطه این دو اصل، سیستم‌ها از بهره‌وری، انطباق‌پذیری و توان بیشتر در پاسخگویی به تقاضاهای بازار برخوردار می‌شدند.

تسری این دو اصل تمرکززدایی و انبوه‌زدایی در اقتصاد پسا صنعتی به شکل و ماهیت تأسیسات و مراکز صدور نفت ایران در خلیج فارس برای رفع بحران جلوگیری از به صفر رساندن درآمدهای ارزی کشور؛ مستلزم بررسی تحول در اصول «صرفه‌جویی‌های ناشی از مقیاس فعالیت‌های اقتصادی» است.

با آغاز دوره پسا صنعتی، «صرفه‌جویی حاصل از مقیاس [بزرگ]»^۱ که نتیجه‌اش کاهش هزینه‌ها در دوره انقلاب صنعتی بود؛ جای خود را به «صرفه‌جویی‌های ناشی از مقیاس فعالیت‌های اقتصادی (طی واگذاری کارکردها به حوزه‌های کوچک)»^۲ داد. «تولید انبوه» در انقلاب صنعتی که حاصل نظریه «صرفه‌جویی حاصل از مقیاس [بزرگ]» بود، به واسطه تکنولوژی-های جدید، جای خود را به «تنوع» تولید محصولات در انقلاب اطلاعاتی و پسا صنعتی داد. (تافلر، ۱۳۷۵: ۵۲-۵۳)

در دوران پسا صنعتی، صرفه‌جویی «هزینه‌های بالاسری» در فرآیند تولید خود منجر به تمرکززدایی در ساختار تولید می‌شد. این در حالی است که در دوران صنعتی «صرفه‌جویی حاصل از مقیاس بزرگ» که با ادغام و تمرکز واحدهای تولیدی در قالب شرکت‌های عظیم متمرکز در پی سود بیشتر بود، در مقابل انطباق‌پذیری با تقاضاهای متنوع مشتریان رنگ می‌باخت. بر این اساس با انقلاب اطلاعاتی شرکت‌ها درصدد کوچک کردن خود بودند. این مزایا نتیجه آن چیزی است که به آن «صرفه‌جویی‌های ناشی از کوچک کردن فعالیت‌های اقتصادی» می‌گویند، یا به عبارت دیگر، واگذاری کارکردها به حوزه‌های کوچک^۳ نتیجه توانایی شرکت‌های کوچک (حوزه‌های کوچک) محسوب می‌شد.

بر این اساس، اگر در دوره صنعتی (موج دوم تمدن بشری) سازمان‌های موج دومی به مرور زمان کارکردهای بیشتری را روی هم انباشته می‌کنند و فربه‌تر می‌شدند (تافلر، ۱۳۷۵: ۱۱۲)؛ در عصر پسا صنعتی-موج سوم- بسیاری از بنگاه‌های بزرگ به جای آن که سعی در انجام

پ. انقلاب اطلاعاتی (موج سوم) که نمادش کامپیوتر است و با اشاعه این وسیله و فزونی گرفتن عده کارمندان و شاغلین خدمات بر کارگران دوران صنعتی از حدود ۱۹۵۵ آغاز شد و هنوز نیز ادامه دارد. (رک: تافلر، ۱۳۷۵: ۳۵-

^۱. *economics of scale*

^۲. *economics of scope*

^۳. *scope*

هرچه بیشتر کار در درون سازمان و در نتیجه آن «یکپارچه‌سازی عمودی» خود داشته باشند، حجم و اندازه خود را باز هم کوچک‌تر می‌کردند. (تافلر، ۱۳۷۰: ۳۸۱)

بدین ترتیب، شیوه سنتی یکپارچه‌سازی عمودی که در پی صرفه‌جویی حاصل از مقیاس بزرگ برای کاهش هزینه‌ها بود، رو به منسوخ شدن بود. از این‌رو، بنگاه‌ها و سیستم‌ها با اتکاء به اصول تمرکززدایی و انبوه‌زدایی، از ساختار داخلی یکپارچه عمودی به ساختار موزاییکی^۱ تغییر شکل می‌دادند. (تافلر، ۱۳۷۰: ۳۷۶-۳۷۵)

آن‌چنان که بررسی شد، مراکز و تأسیسات صدور نفت ایران نیز همانند بنگاه‌ها و سیستم‌های پسا صنعتی بر اساس الگوی نوین تولید، یعنی تمرکززدایی و انبوه‌زدایی اقدام به کوچک کردن خود کردند. در این فرآیند واگذاری، کارکردهای تأسیسات نفتی به دیگر مراکز صدور نفت در جزایر دیگر، امکان صدور نفت را به صورت شبکه موزاییکی در راستای تأمین امنیت بیشتر فراهم کرد.

انبوه‌زدایی از واحد صدور متمرکز نفت ایران در خارک، همانند تجزیه کمپانی‌ها به واحدهای نامتمرکز، تسهیل در امر صدور نفت به بازارهای جهانی را ایجاد کرد. با توجه به مسئله فوق، این ساختار شبکه‌ای توزیع نفت که متأثر از موج سوم تغییر بود، دیوان‌سالاری‌هایی را که همانند تأسیسات نفتی خارک در عصر صنعتی نیز به آرامی حرکت می‌کردند، جای خود را به واحدهای کاری کوچک انبوه‌زدایی شده در دیگر جزایر به‌ویژه دریای عمان دادند.

۳- اهمیت تأسیسات نفتی خارک و تمرکزگرایی در منابع صدور نفت

جزیره خارک در شمال خلیج فارس واقع است. این جزیره در ۲۵ کیلومتری از ساحل ایران و ۴۸۳ کیلومتری از شمال غربی تنگه هرمز واقع است. (www.ifpnews.com) پایانه نفتی خارک در جزیره خارک قرار دارد. این پایانه مهم‌ترین پایانه نفتی دریایی ایران به شمار می‌آید. (www.wiki.openoil.net)

پایانه نفتی خارک در طول جنگ ایران و عراق، به‌ویژه بین سال‌های ۱۹۸۲ و ۱۹۸۶ در طول جنگ ایران و عراق توسط نیروی هوایی عراق مورد بمباران سنگین قرار می‌گرفت؛ علی‌رغم آن خارک به صادرات خود ادامه داد. (www.wiki.openoil.net)

^۱ ترکیبی از عناصر ناهمگون است) *Mosaic*.

براساس بیانات مقامات ایرانی، بیش از ۹۰ درصد از نفت خام صادراتی ایران از طریق پایانه نفتی خارک عرضه می‌شد (www.wiki.openoil.net) و این پایانه، نفت ایران را به بازارهای جهانی می‌رساند. (www.middleeastmonitor.com)

تأسیسات نفتی خارک دارای دو ترمینال بارگیری نفت خام صادراتی است که ده اسکله آن در مجموعه اسکله‌های ترمینال تی (T) و چهار اسکله در ترمینال آذریاد (H) مهم‌تر از همه است که مخصوص نفتکش‌های غول پیکر است. (نخعی و همکار، ۱۳۸۳، جلد ۳۷: ۷۲۴-۷۴۳) این تأسیسات نفتی مهم‌ترین مرکز صدور نفت خام ایران به شمار می‌رود. (لطف‌الله زادگان، ۱۳۷۳، جلد ۵: ۱۶۸)

خارک یکی از مهم‌ترین جزایر و دارای اسکله‌های صادراتی است که به مقدار زیادی نفت از این محل صادر می‌شد، به این خاطر عراق از همان اوایل جنگ سعی می‌کرد که این جزیره را بمباران کند؛ اما با وجود پدافند هوایی قوی، ناکام گردید. (رویدادها و تحلیل، بولتن شماره ۴۴، ۱۳۶۱/۶/۲۲: ۴۴) از آنجا که در سال ۱۳۶۴، بیش از ۹۵ درصد ارز خارجی و ۸۰ درصد درآمد دولت از صادرات نفت حاصل می‌شد، لذا امنیت مراکز صدور نفت ایران از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود. (رک: رویدادها و تحلیل، بولتن شماره ۱۴، ۱۳۶۴/۹/۲۳: ۵۵)

در این سال ایران بین ۱/۵ تا ۲/۵ میلیون بشکه نفت در روز صادر می‌کرد که حدود ۹۰ درصد آن از طریق جزیره خارک صورت می‌گرفت. (نخعی و همکار، ۱۳۸۳، جلد ۳۷: ۷۵۶-۷۵۷) پیش از این تاریخ نیز ۹۰ درصد صادرات نفت کشور از پایانه نفتی خارک انجام می‌شد؛ به‌گونه‌ای که در دهه ۱۹۷۰ تا روزی ۶ میلیون بشکه نفت از این جزیره صادر می‌شد. (فراهانی، ۱۳۹۳، جلد ۱: ۷۷) در این راستا برخی کارشناسان بر این باوراند که:

«گسترش فوق‌العاده پایانه نفتی خارک به‌عنوان تنها کانال صدور نفت کشورمان در رژیم پهلوی برنامه حساب شده‌ای از سوی غرب بوده است، زیرا به آمریکا و غرب این امکان را می‌داد که در شرایط بحرانی ضمن تهدید خارک، گلوگاه اقتصادی کشور را بفشارند.» (رویدادها و تحلیل، بولتن شماره ۸، ۱۳۶۴/۳/۱۶: ۴۴)

بر این اساس تمرکزگرایی تأسیسات نفتی ایران در جزیره خارک که بعد از وقوع انقلاب اسلامی همچنان در آن وضعیت به سر می‌برد، با آغاز جنگ ایران و عراق به‌عنوان بزرگ‌ترین نقطه آسیب‌پذیر محسوب می‌شد که عراق با کمک متحدان غربی خود قصد انهدام آن را در سر می‌پروراند.

۴- اهداف عراق در حمله به تأسیسات نفتی ایران

از همان بدو جنگ تحمیلی، عراق حمله به تأسیسات و مراکز صدور نفت ایران به‌ویژه خارک را شروع کرد و در این تهاجمات به‌واسطه کمک‌های کشورهای غربی و کشورهای دولت‌های حاشیه حوزه خلیج فارس نسبت به ایران از توانایی بیشتری برخوردار بود.

«عراق از نظر تجهیزات اصلی در جنگ زمینی (توپ و تانک)، تعداد نیروهای منظم و نیروی هوایی، برتر بود و ایران از نظر جمعیت بیشتر، انسجام ملی، انگیزه و قدرت بسیج مردمی و نداشتن قرض خارجی، بر عراق برتری داشت.» (انصاری و همکار، ۱۳۸۰، جلد ۴۴: ۲۱۱)

از این رو، می‌توان اشاره کرد:

«توانایی و هراس رژیم عراق از رویارویی با ایران در رزم زمینی و بالطبع با استمرار جنگ باعث گردید، این رژیم تلاش‌های اصلی خود را معطوف به سلب توانایی ایران از طریق اعمال فشارهای سیاسی، روانی و اقتصادی کند. لذا بر همین اساس و به منظور استیصال جمهوری اسلامی و فراهم ساختن زمینه‌های صلح تحمیلی، جنگ نفت‌کش‌ها و جنگ شهرها صورت گرفت.» (رویدادها و تحلیل، بولتن شماره ۱۳، ۱۳۶۴/۰۸/۲۵: ۲۰-۱۹)

عراق با حمله به مناطق مسکونی و کشتی‌های تجاری و نفتکش‌هایی که به سوی خارک در حال حرکت بودند و نیز تأسیسات نفتی این جزیره قصد برتری همه‌جانبه نسبت به ایران در جنگ تحمیلی داشت. عراق در پی فلج کردن صادرات نفتی ایران بود و بر این اساس انهدام تأسیسات نفتی جزیره خارک را در دستور کار خود قرار داد. همچنین هدف از حمله به پایانه‌های نفتی ایران، تحمیل صلح به ایران با شرایط مدّ نظر عراق بود. علاوه بر آن عراق با حمله به تأسیسات و مراکز نفتی ایران به‌ویژه خارک درصدد تضعیف حمایت آحاد مردم از جمهوری اسلامی در جنگ تحمیلی بود. در این راستا:

«کارشناسان معتقدند عراق جنگ نفت‌کش‌ها را با دو هدف به راه انداخت و آن را دنبال می‌کرد؛ هدف اول در راستای همان حملات هوایی، یعنی حمله به تأسیسات نفتی و صنعتی بود تا با جلوگیری کردن از صدور نفت ایران، جمهوری اسلامی را در تنگنای اقتصادی قرار دهد و دوم اینکه با پیش‌بینی اقدام متقابل، در تلاش بود تا دیگر کشورهای منطقه را نیز به طور مستقیم وارد درگیری کرده،

جنگ را بین‌المللی کند تا از فشارهای وارده بر خود بکاهد.» (انصاری و همکار، ۱۳۸۰، جلد ۴۴: ۳۵)

مقامات نظامی عراق برای هرچه بیشتر در فشار قراردادن ایران متوسل به «محاصره دریایی» شدند و «محدوده‌های جنوبی آب‌های ایران را که پایانه‌های نفتی و تجاری در آن واقع شده بود، «منطقه ممنوعه نظامی» تعیین کرده و اعلام داشتند هر کشتی‌ای که به این منطقه نزدیک یا وارد شود، هدف قرار خواهد گرفت.» (لطف‌الله‌زادگان، ۱۳۹۱، ج ۲۱: ۲۳) در این راستا عراق منطقه‌ای به شعاع ۷۰ کیلومتر در اطراف جزیره خارک برای کشتی‌ها ممنوع-الورود اعلام کرد. (رویدادها و تحلیل، بولتن شماره ۱۸، ۶۵/۱/۲۴: ۱۸)

لاجرم، حمله به جزایر و بنادر اقتصادی ایران خصوصاً جزیره خارک و بندر امام خمینی(ره)، بندر ماهشهر و بوشهر در ادامه سیاست محاصره اقتصادی و محروم کردن ایران از درآمدهای ارزی و ایجاد محدودیت در صدور و ورود کالا از سوی عراق صورت می‌گرفت. (لطف‌الله‌زادگان، ۱۳۹۳، جلد ۲۲: ۲۲-۲۳) از این‌رو عراق با «محاصره دریایی»، «بین‌المللی کردن جنگ» و «جنگ نفت‌کش‌ها» سعی کرد تمام تلاش خود را برای خفه کردن اقتصاد ایران تشدید کند. (نخعی و همکار، ۱۳۸۳، جلد ۳۷: ۳۸۲)

از سوی دیگر، حملات عراق به جزیره خارک با ترانزیت نفت این کشور از طریق خاک ترکیه و عربستان وارد فاز جدیدی شد. پس از گشایش لوله‌های نفت عراق از عربستان و رسیدن تولید این کشور با کمک سعودی‌ها به یک میلیون و ۸۰۰ هزار بشکه در روز، عراق با رویکرد حمله جدی به پایانه نفتی جزیره خارک و سپس توطئه کاهش قیمت نفت ایران که از مدت‌ها قبل مقدمات آن فراهم شده بود، به مرحله اجرا گذاشت. (رویدادها و تحلیل، بولتن شماره ۱۹، ۱۳۶۵/۲/۲۲: ۷۴-۷۶) حملات عراق از سال ۱۳۶۴ به مراکز نفتی خارک شدت بسیاری یافت. یک دلیل آن که افزایش ظرفیت صدور نفت عراق به میزان ۵۰ درصد از طریق عربستان و ترکیه بود. (فراهانی، ۱۳۹۳، جلد ۱: ۸۵۳-۸۵۵)

این شرایط وضعیت اقتصادی عراق را در بازپرداخت بدهی و وام‌های بین‌المللی تا حدودی بهبود بخشید. این در حالی است که این کشور پیش از آغاز جنگ دارای میلیاردها دلار ذخایر ارزی بود که پس از راه‌اندازی جنگ علیه ایران، آن ذخایر صرف جنگ‌افروزی شد و بدین ترتیب عراق بدهی‌های بین‌المللی فراوانی را به وجود آورد. این کشور سپس سعی در افزایش درآمدهای نفتی از طریق لوله‌های نفتی جدید از خاک کشور ترکیه و عربستان کرد. در این زمینه آمده است:

«عراق در طول جنگ به طور وسیعی وابسته به کمک‌ها، اعانات و اعتبارات خارجی بود که به‌طور مستمر از سال ۱۳۵۹ تا ۱۳۶۴ ادامه داشت و بالغ بر ده‌ها میلیارد دلار بود. در حالی که ایران به نوبه خود به حفظ نرخ رشد منطقی عملاً بدون هیچ‌گونه کمک خارجی بود. به نظر می‌رسد که تنها راه خروج رژیم صدام از این مهلکه حمله به هدف‌های غیر نظامی و نفتی ایران به‌ویژه پایانه نفتی جزیره خارک بود. با این حملات عراق در پی این هدف بود که حمایت مردم از جمهوری اسلامی تضعیف شود.» (رویدادها و تحلیل، بولتن شماره ۱۴، ۶۴/۰۹/۲۳: ۵۷-۵۸)

حملات عراق به تأسیسات نفتی خارک با چراغ سبز و هم‌سویی و اتحاد پنهان غرب و غالب دولت‌های عربی همراه بود، به گونه‌ای که در زمان تشدید حملات عراق در مرداد و شهریور ماه ۱۳۶۴ به این تأسیسات، بسیاری از ناظران خاورمیانه مژده دادند که جنگ ایران و عراق به پایان خود نزدیک می‌شود. آنان از این‌که عراق توانسته بود به شریان حیاتی ایران آسیب برساند، ابراز خرسندی می‌کردند و همچنین ابراز امیدواری می‌کردند که ایران درآمد نفتی خود را از دست می‌دهد و دیگر قادر به ادامه جنگ نخواهد بود. اما غربی‌ها علت اصلی شکست عراقی‌ها در حمله تأسیسات خارک را این می‌دانستند که این کشور قادر نیست حملاتی را که آغاز کرده است، تداوم بخشد. (فراهانی، ۱۳۹۳، جلد ۱: ۱۰۱-۱۰۲) در این راستا کارشناسان غربی معتقد بودند:

«عراقی‌ها اگر بخواهند ذخایر ارزی ایرانیان را خالی کنند، باید تلاش کنند که صادرات نفت ایران را حداقل برای هشت ماه متوقف سازند یا آن را به ۷۰۰ هزار بشکه در روز کاهش دهند. اما عراق برای تحقق چنین هدفی توان نظامی لازم را ندارد.» (انصاری و همکار، ۱۳۸۰، جلد ۴: ۴۴) (۱۴۴)

بدین ترتیب متحدان غربی با تشویق عراق در حمله به تأسیسات نفتی خارک، به این کشور می‌گفتند در صورتی می‌تواند مانع صدور نفت ایران شود که حمله به کشتی‌ها و تأسیسات نفتی ایران به صورت مستمر و مداوم انجام پذیرد. (رویدادها و تحلیل، بولتن شماره ۲۷، ۱۳۶۵/۱۰/۲۳: ۱۲)

۵- تجهیز عراق به سلاح‌های هدایت‌شونده فوق مدرن در حمله به خارک با آغاز جنگ تحمیلی

اگرچه با آغاز جنگ تحمیلی، عراق حملات خود را به تأسیسات نفتی به‌ویژه خارک شروع کرد، اما به علت فقدان تجهیزات مدرن و بسیار دقیق و پیشرفته، در اکثر موارد ناتوان بود و بمب‌ها در داخل آب‌های ساحلی جزیره و یا بیابان‌های اطراف جزیره فرو می‌افتادند. (لطف‌الله‌زادگان، ۱۳۹۱، جلد ۲: ۲۳۸ و ۳۱۷؛ بهروزی، ۱۳۹۲، جلد ۲۵: ۳۷۸) به تدریج با تسلیح عراق توسط شوروی سابق و به‌ویژه فرانسه، این کشور توانست حملات خود را با دقت بیشتری مورد هدف قرار دهد. عراق که در آغاز جنگ به سختی می‌توانست به جزیره نزدیک شود و بمب‌های جنگنده‌های عراقی به اهداف اصابت نمی‌کرد، اینک با برخورداری از سلاح‌های مدرن توانسته بود قسمتی از این تأسیسات را مورد هدف قرار دهد. به این ترتیب «تکامل‌یافته‌ترین سلاح‌های فرانسه در نبرد خارک آزمایش می‌شد.» (انصاری و همکار، ۱۳۹۳، جلد ۲: ۱۷۰)

«دولت فرانسه با تسلیح جنگنده‌های عراقی به موشک‌های هوا به زمین از نوع آی. اس ۳۰۰ که توسط لیزر هدایت می‌شد، حتی عراق را قادر می‌ساخت که به جزیره سیری که در ۳۵۰ کیلومتری جنوب خارک قرار دارد، حمله کند.» (انصاری و همکار، ۱۳۹۳، جلد ۲: ۳۲۹)

علاوه بر آن، عراق برای حمله به تأسیسات نفتی ایران درصدد دستیابی به جنگنده‌های دوربرد از جمله میراژ ۲۰۰۰ فرانسه بود، زیرا این هواپیما قادر بود تا جزیره سیری نیز به پیش برود. جنگنده‌های نیروی هوایی عراق که تنها پیش از این با ۳۰۰ مایل قادر به نفوذ به حریم هوایی ایران بودند با مجهز شدن به هواپیماهای پیشرفته میراژ ۲۰۰۰ قادر به حمل ۴ بمب ۵۵۰ پوندی با برد بیش از ۹۲۰ مایل شدند. (انصاری و همکار، ۱۳۹۳، جلد ۲: ۸۴۵-۸۴۴)

بدین ترتیب عراق با خریدن جنگنده‌های مدرن‌تر، برد هوایی خود را جهت دسترسی به تأسیسات جدید ایران افزایش داد، حتی فراتر از آن فرانسه با اجازه دادن هواپیمای «سوپر اتاندارد» فوق پیشرفته با شعاع عمل (رفت و برگشت) ۲۰۰۰ کیلومتر بی‌طرفی خود را هرچه بیشتر در جنگ ایران و عراق نقض می‌کرد و اقدام به تقویت بنیه نیروی هوایی عراق کرد. مضافاً فرانسه با تجهیز عراق به پیشرفته‌ترین و دقیق‌ترین موشک‌های هدایت‌شونده با اشعه لیزر و رادارگریز این کشور را قادر ساخت رادارهای ضد هوایی جزیره خارک را خنثی کرده (رویدادها و تحلیل، بولتن شماره ۱۳، ۱۳۶۴/۸/۲۵: ۱۶-۱۷) و این جزیره را در برابر تهاجمات عراق بی‌دفاع کند.

بر این اساس، تجهیز عراق به سلاح‌های پیشرفته و مدرن، خطر برای صادرات ایران را از طریق تأسیسات نفتی خارک افزایش می‌داد و ایران همچنان به این تأسیسات به‌عنوان یک منبع اصلی برای درآمد کشور می‌نگریست، زیرا برتری نیروی هوایی عراق نسبت به ایران، عراق را قادر ساخته بود مبادرت به حملات دقیق‌تر به خارک کند. (فراهانی، ۱۳۹۳، جلد ۱: ۳۸۶-۳۸۷) در نتیجه واگذاری این تسلیحات مدرن، توانایی نیروی هوایی عراق را چند برابر می‌کرد و بر قدرت تخریب سلاح‌های این کشور افزود.

۶- تمرکززدایی و شیوه‌های متنوع کردن تأسیسات و مراکز نفتی ایران

با تسلیح عراق به سلاح‌های پیشرفته و قادر شدن این کشور به حملات دقیق‌تر به تأسیسات نفتی جزیره خارک، رفته‌رفته ایران درصدد تمرکززدایی از مراکز صدور نفت برآمد؛ اما آن اتفاقی که ایران را مصمم به متنوع کردن منابع صدور نفت کرد، حمله شدید و سنگین عراق در روز بیست‌وچهارم مرداد ۱۳۶۴ به تأسیسات نفتی خارک بود. در آن زمان، ایران در حالی که خود را برای برگزاری چهارمین دوره انتخابات ریاست جمهوری آماده می‌کرد، عراق به دو اسکله مهم تی (T) و آذریاد (H) به صدور نفت ایران در جزیره خارک صدمه زد.

«عراق پس از این حمله جشن تبلیغاتی به پا کرد و خبر از انهدام جزیره خارک را داد. رادیو و تلویزیون بغداد برنامه‌های معمولی خود را قطع کرده و خبر بمباران جزیره خارک را گزارش داد و اقدام به پخش مارش و سرودهای ملی کرد. صدام حمله به خارک را در آن روز یک پیروزی تاریخی خواند و به خلبانان این حمله نشان رافدین، مدال شجاعت، اعطاء کرد.» (نخعی و همکار، ۱۳۸۳، جلد ۳: ۳۷۴۷؛ رویدادها و تحلیل، بولتن شماره ۱۱، ۱۳۶۴/۶/۲۲: ۱۳-۱۵)

ایران بعد از حملات ۲۴ مرداد ۱۳۶۴، مصمم به ایجاد مراکز متعدد صدور نفت صادراتی شد. عراق در پی آن بود که با این حمله سنگین برگ برنده و تعیین‌کننده‌ای در سرنوشت جنگ به‌دست آورد. (رویدادها و تحلیل، بولتن شماره ۱۳، ۱۳۶۴/۸/۲۵: ۲۱) حتی پیش از این حملات هوایی مکرر عراق، مشتریان ایران و همچنین صاحبان کشتی‌های نفتی از اعزام کشتی‌های خود برای بارگیری نفت در آن شرایط ناامنی، شدیداً خودداری می‌کردند. آنها علاوه بر بیم از حملات هوایی عراق، افزایش مخارج بیمه که در این پایانه‌ها بسیار سنگین شده بود را مطرح می‌کردند. (لطف‌الله زادگان و همکار، ۱۳۷۳، جلد ۵: ۳۸۴)

شرایط به گونه‌ای بود که نفت‌کش‌ها جرأت نمی‌کردند در نزدیکی جزیره خارک پهلو بگیرد. (لطف‌الله زادگان و همکار، ۱۳۷۳، جلد ۵: ۲۶۹) رفته رفته با اختلال در صدور نفت از جزیره

خارک، ایران اقدام به صدور نفت از جزایر سیری و لاوان کرد. (لطف‌الله زادگان و همکار، ۱۳۷۳، جلد ۵: ۵۴۷) حتی در آن سال‌ها آقای غرضی که وزارت نفت را برعهده داشت، در مصاحبه‌ای با اشاره به ریسک بالای صدور نفت ایران و با تأکید بر این که شرکت بیمه‌گر نفت-کش‌ها، ۷ درصد به هزینه بیمه آنها افزوده است و خریداران نفت ایران دچار هزینه‌های گزافی شده‌اند، از ودیعه ۳۰۰ میلیون دلاری ایران به‌عنوان تسهیلات نزد بانک ملی ایران شعبه لندن برای رفع ریسک صدور نفت ایران برای نفت‌کش‌ها خبر داد. (روزنامه کیهان، ۱۳۶۱/۷/۴: ۳؛ لطف‌الله زادگان، ۱۳۹۱، جلد ۲۱: ۲۴-۲۵)

با این وجود، ایران در سال ۱۳۶۴ به فکر چاره اساسی برای مهار بحران صدور نفت افتاد. در روز ۱۱ آذر ۱۳۶۴ وزیر نفت از گسترش پایگاه‌های نفتی و عدم تمرکز بر پایانه نفتی خارک خبر داد، تا بدین وسیله خطر حملات عراق به جزیره خارک را در صدور نفت ایران کم کند. (روزنامه کیهان، ۱۳۶۴/۹/۱۲: ۱۷) علاوه بر آن، آیت‌الله خامنه‌ای، رئیس‌جمهور وقت ایران بر لزوم اجرای پروژه انتقال نفت به سواحل دریای عمان اصرار ورزید. (روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۶۴/۱/۲۲: ۱۲)

همچنین رئیس مجلس وقت، حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی نیز بر متنوع کردن منابع صدور نفت ایران تأکید ورزید. (روزنامه اطلاعات، ۱۳۶۴/۷/۱۳: ۱۵) نخست‌وزیر نیز در گفت‌وگویی اعلام کرد: «سیستم صدور نفت با ابتکارات دولت آسیب‌ناپذیر خواهد شد.» (روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۶۴/۷/۸: ۱۲)

بدین ترتیب ایران سایر پایانه‌های صادراتی نفت خود را جایگزین خارک کرد که از آن جمله می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

۶-۱. پایانه نفتی جزیره سیری

جزیره سیری در جنوب شرقی خلیج فارس و در حدود ۷۲ کیلومتری خط ساحلی ایران در جنوب بندرلنگه و ۴۰ کیلومتری غرب جزیره ابوموسی واقع شده است؛ سیری ۱۸ کیلومتر مربع وسعت دارد و دارای چندین میدان نفتی است. همچنین این منطقه ظرفیت تولیدی قابل توجهی دارد. با تشدید حملات مکرر عراق به تأسیسات نفتی خارک به‌ویژه در سال ۱۳۶۴، ایران از پایانه نفتی سیری برای صدور نفت استفاده بیشتری کرد.

۶-۲. پایانه نفتی شناور بین جزایر قشم و لارک

قشم و لارک از جزایر ایرانی در خلیج فارس و جزئی از استان هرمزگان هستند. جریان صدور نفت ایران از مخازن شناور کشتی‌های مستقر در جزیره قشم و لارک ایران پس از تشدید بمباران پایانه نفتی خارک در دستور کار قرار گرفت و در این راستا پایانه نفتی در آب‌های قشم و لارک با توان صادراتی بیش از ۲ میلیون بشکه در روز افتتاح گردید. در این پایانه صدور نفت به دور از هرگونه خطر احتمالی از سوی عراق انجام شد. (روزنامه اطلاعات، ۱۳۶۵/۹/۸: ۴؛ انصاری و همکار، ۱۳۸۰، جلد ۴: ۴۴؛ ۵۸۳؛ روزنامه کیهان، ۱۳۶۴/۴/۱۰) بدین ترتیب از کشتی‌های بزرگ نفتی باری برای ایجاد یک پایانه شناور نفتی هم در آب‌های جزیره قشم و لارک پایانه نفتی شناور در جنوب جزیره قشم استفاده شد. این پایانه امکان پهلوگیری کشتی‌های بسیار بزرگ و نیز ذخیره‌سازی را فراهم کرد و بدین طریق پایانه شناور جزیره قشم نیز از مراکز متعدد صدور نفت به شمار آمد. (انصاری و همکار، ۱۳۹۳، جلد ۲: ۴۱۲-۴۱۳)

۶-۳. پایانه نفتی بندر طاهری

بندر طاهری در ۳۵ کیلومتری عسلویه در استان بوشهر واقع شده است. ایران در اواخر سال ۱۳۶۴ تصمیم گرفت زمینه صدور نفت از طریق پایانه نفتی بندر طاهری را فراهم کند. (انصاری و همکار، ۱۳۹۳، جلد ۲: ۳۰۲-۳۰۳)

۶-۴. افتتاح پروژه والفجر

ایران برای ارتقای توانایی صدور نفت خود در تنگه هرمز با هدف خطرپذیری کم‌تر در حمله نظامیان عراق برای صادرات اقدام به ایجاد و بهره‌برداری از پروژه والفجر کرد. در این راستا باید گفت مسئولان صنعت نفت کل عملیات انتقال نفت خام از جزیره خارک و تخلیه آن در کشتی‌های مستقر در جزیره سیری و سپس انتقال این ترمینال شناور به جزیره قشم را پروژه والفجر نامگذاری کردند و آن را راه انداختند. (روزنامه رسالت، ۱۳۶۵/۴/۸: ۸)

۶-۵. احیاء تأسیسات نفتی بندر گناوه

بندر گناوه یکی از شهرهای استان بوشهر و مرکز شهرستان گناوه است. این بندر دارای پایانه نفتی و امکان حجم انبوهی از ذخیره‌سازی نفت است. به دنبال حملات مکرر عراق به تأسیسات نفتی خارک، ایران تأسیسات نفتی بندر گناوه را مورد استفاده قرار داد. (رویدادها و تحلیل، بولتن شماره ۲۱، ۱۳۶۵/۴/۲۴: ۱۳)

۶-۶. بندر لاوان

لاوان پس از جزایر قشم و کیش بزرگ‌ترین جزیره ایران در آب‌های خلیج فارس است. منطقه نفتی لاوان دارای چند حوزه نفتی فعال است که سکوه‌های نفتی سلمان از مهم‌ترین آنها است. در پی متنوع کردن منابع صدور نفت، ایران از طریق بندر لاوان اقدام به فروش نفت خود به کشورهای خارجی کرد. (لطف‌الله زادگان و همکار، ۱۳۷۳، جلد ۵: ۱۹۴)

۶-۷. تأسیسات نفتی جزیره فارسی

جزیره فارسی در ۱۰۰ کیلومتری جنوب غربی جزیره خارک واقع است. در این جزیره تأسیسات نفتی حضور فعالی دارند.

۶-۸. ایجاد سکوه‌های جدید بارگیری نفت در جزیره قشم

با تشدید حملات عراق به پایانه نفتی خارک و لزوم تمرکززدایی، متخصصان ایرانی موفق به ابداع و آزمایش موفقیت‌آمیز سکوه‌های بارگیری نفتی جدیدی که نمونه آنها در نزدیکی جزیره قشم تحت آزمایش قرار گرفت، گردیدند.

در همین راستا، وزارت نفت تصمیم گرفت تعداد ۱۲ کشتی از این نوع را در نقاط مختلف خلیج فارس تعبیه کند که از جمله خصوصیات این کشتی‌های (پلات فورم) متحرک، تأمین امنیت و کاستن از میزان اتکاء به جزیره خارک بود. (رویدادها و تحلیل، بولتن شماره ۱۴، ۱۳۶۴/۰۹/۲۳: ۵۵)

۶-۹. گسترش پایانه نفتی شناور جزیره سیری

به‌دنبال تمرکززدایی و انبوه‌زدایی از تأسیسات نفتی خارک، ایران از طریق اجاره نفت‌کش‌های غول پیکر در نزدیکی جزیره سیری اقدام به گسترش ترمینال شناور جدید جزیره سیری کرد تا بدین وسیله وابستگی از جزیره خارک کاهش یابد. (رویدادها و تحلیل، بولتن شماره ۸، ۱۳۶۴/۳/۱۶: ۴۴)

براین اساس، ایران با تدبیر مناسب توانست بحران صدور نفت را با تمرکززدایی و انبوه‌زدایی از منابع صادرات نفتی کشور مهار کرده و به‌تدریج منابع نفتی دیگر را جانشین خارک کرد. علاوه بر اقدامات سخت‌افزارگرایانه در حل این بحران، ایران از شگردهای دیگری که مورد اشاره قرار خواهد گرفت، بهره برد.

۷- کاهش ریسک صدور نفت ایران و تهدید به بستن تنگه هرمز، اقدامات فرعی دیگر در مهار بحران

تهاجمات پیاپی عراق به جزیره خارک، تأسیسات و منابع نفتی ایران با هدف فلج کردن مبادی صدور نفت و کالا موجب شد که ایران به اقدامات بازدارنده دیگر روی آورد. اولین تدبیر و اقدام، مربوط به بیمه کردن کشتی‌ها و تسهیلات ویژه ایران بود که در راستای افزایش تمایل کشتی‌ها به بارگیری نفت ایران از حوزه‌ها و بندرهای جنوبی ایران صورت می‌پذیرفت، بود. اقدام دیگر ایران در این زمینه، ادامه تهدیدات مقامات جمهوری اسلامی ایران علیه متحدان غربی و دولت‌های عربی حامی عراق بود. در این راستا آیت‌الله خامنه‌ای، رئیس‌جمهور وقت در ۳۱ شهریور ۶۴ طی سخنانی به کشورهای حامی عراق در حمله به جزایر نفتی ایران هشدار داد و اظهار داشت: «در صورت ادامه این حرکات تنگه هرمز به روی تمام کشتی‌های صادر کننده نفت بسته خواهد شد.» ایشان در ادامه تصریح کرد:

«پاسخ حمله به تأسیسات نفتی در خلیج فارس ضربات کوبنده ما به تأسیسات اقتصادی عراق خواهد بود و این پاسخ تا زمانی است که صدور نفت ما به خطر نیفتاده باشد، ادامه خواهد یافت.» (روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۶۴/۷/۱: ۱۲)

همچنین آیت‌الله خامنه‌ای در جریان بزرگ‌ترین مانور دریایی ایران در تنگه هرمز در حالی که در عرشه کشتی قرار داشت، طی مصاحبه‌ای درخصوص آسیب‌پذیری منابع صدور نفت صادراتی ایران ضمن رد ادعاهای واهی عراق در حمله به سکوهای نفتی ایران، بر متنوع کردن منابع صدور نفت ایران اصرار ورزید و در این باره با وجود تأسیسات خارک، بر ضرورت [احداث] لوله‌های نفتی پافشاری کرد. همچنین رئیس‌جمهور اعلام کرد: «تهدید ایران برای بستن تنگه هرمز جدی است.» (روزنامه اطلاعات، ۱۳۶۴/۷/۱۵: ۳؛ روزنامه کیهان، ۱۳۶۴/۷/۱۴: ۲)

علاوه بر آن، ایشان در روز جمعه ۳۱ مرداد، ۱۳۶۵ در خطبه‌های نماز جمعه در واکنش به تلاش عراق در قطع صدور نفت ایران از خلیج فارس اشاره کردند:

«اگر بخواهیم از همه مقدوراتمان در مقابله با حمله به پایانه‌های نفتی استفاده کنیم، ممکن است کل صدور نفت از خلیج فارس به خطر بیفتد.» (روزنامه کیهان، ۱۳۶۵/۶/۱: ۱۱)

همچنین در تاریخ یازدهم مهر ماه ۱۳۶۴، حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی، رئیس‌مجلس وقت نسبت به جلوگیری از صدور نفت ایران هشدار داد و تأکید کرد: «عدم امنیت منطقه برای صدور نفت ایران به معنای ناامن شدن خلیج فارس خواهد بود.» وی در ادامه اشاره کرد:

«هر قدر ناامنی بیشتر باشد، فشار ما هم بر عراق و دوستان آن کشور بیشتر می‌شود، اگر روزی این فشار به حدی برسد که ما نتوانیم استفاده زیادی از خلیج فارس ببریم، بی‌شک دیگران نخواهند توانست.» (روزنامه اطلاعات، ۱۳۶۴/۷/۱۳: ۳)

از این رو مقامات ایران طی دوران جنگ تحمیلی به‌ویژه از سال ۱۳۶۴ به بعد بر تهدیدات خود مبنی بر بسته شدن تنگه هرمز در صورت جلوگیری از صدور نفت ایران در راستای دامن زدن به بحران انرژی افزودند. این امر موجبات هراس غرب و دولت‌های حامی عراق را فراهم کرد. در همین ارتباط، مسئله صدور نفت ایران با «بحران انرژی» گره خورده بود و دولتمردان ایران با کیاست به آن پی برده بودند. در زمینه انسداد تنگه هرمز که می‌توانست جهان غرب را با بحران انرژی شدید روبه‌رو کند، کارشناسان غربی معتقد بودند: «رضایت خاطر آمریکا شرط اصلی حمله عراق به خارک بود، زیرا اساساً مسئله خارک با بحران انرژی و احتمالاتی در زمینه توسعه جنگ در خلیج فارس همراه است. اساساً سیاست اعمال فشار تدریجی غرب بر جمهوری اسلامی با احتساب این امر که قطع یک‌باره نفت ایران و یا حل یک‌باره جنگ با فشار همه‌جانبه نظامی و اقتصادی بر ایران مطلوب نیست، اتخاذ شده است؛ زیرا در غیر این صورت امکان وقوع رخدادها و حوادث غیر قابل کنترل دور از انتظار نخواهد بود و بر این اساس؛ سیاست یاد شده میزان اجازه دادن غرب برای کشاندن جنگ به خلیج فارس مستقیماً با تدابیری بستگی داشته که مبتنی بر راه‌یابی جهت مقابله با بحران انرژی و ممانعت انسداد تنگه هرمز و قطع صدور نفت بوده است. (رویدادها و تحلیل، بولتن شماره ۱۱، ۱۳۶۴/۶/۲۲: ۱۳؛ ۱۳؛ رویدادها و تحلیل، بولتن شماره ۱۳، ۱۳۶۴/۸/۲۵: ۲۱-۲۲).

در این زمینه در تحلیل کمیته روابط خارجی سنای آمریکا آمده بود:

«این مسئله که قطع یک‌باره عبور و مرور به طور تدریجی و یا ناگهانی اتفاق افتد، اهمیت بسیاری دارد، هر قدر که بازار با تدبیر خود با تغییر شرایط محیط وقت بیشتری داشته باشد، امکان این که بتوان مسئله را تحت کنترل درآورد، بیشتر است. بر این اساس، حمله عراق به خارک امر تازه‌ای نیست، زیرا این کشور از قبل توانایی حمله به خارک را داشت، ولی از این کار خودداری می‌کرد و یک دلیل آن این بود که کشورهای حوزه خلیج فارس از آن بیم داشتند که حمله عراق به خارک باعث اقدام تلافی جویانه ایران شود.» (رویدادها و تحلیل، بولتن شماره ۱۱، ۱۳۶۴/۶/۲۲: ۱۳؛ رویدادها و تحلیل، بولتن شماره ۱۳، ۱۳۶۴/۸/۲۵: ۲۱-۲۲)

بدین ترتیب کشورهای حاشیه خلیج فارس از واکنش مقامات ایران در قبال حملات عراق به خارک همواره هراس داشتند، به‌ویژه آنکه ایران در سال ۱۳۶۵ با استفاده از موشک‌های کرم ابریشم بر توانایی خود در دفاع از نفت‌کش‌ها افزوده بود. به گفته کارشناسان نظامی، ایران با استقرار این موشک‌ها در تنگه هرمز و نیز استقرار توپخانه دوربرد که مسلط بر دهانه تنگه هرمز بود، هرچه بیشتر بر قدرت بازدارندگی خود افزوده بود و در عین حال کشورهای غربی و عربی حامی عراق را به هراس واداشته بود. (روزنامه کیهان، ۱۳۶۵/۱۲/۲۵: ۳) بدین ترتیب تهدیدات دولتمردان ایران و نیز تدابیر سخت‌افزارگرایانه ایران در تمرکززدایی از منابع صدور نفت ایران که بدان اشاره شد، جریان عادی صادرات نفت ایران را به همراه داشت.

۸- جریان عادی صادرات نفت ایران با تمرکززدایی از مراکز صدور نفت

اهداف عراق در بمباران تأسیسات نفتی خارک مشتمل بر تنزل حداکثری درآمد‌های ایران و تحمیل صلح به‌خصوص در سال‌های ۱۳۶۴، ۱۳۶۵ و ۱۳۶۶ که با شکست مواجه شد، موجبات نوآوری کارشناسان و متخصصان ایرانی را در زمینه تمرکززدایی و انبوه‌زدایی از منابع صدور نفت ایران فراهم کرد. (رویدادها و تحلیل، بولتن شماره ۱۵، ۱۳۶۴/۱۰/۲۳: ۵۲) می‌توان گفت در طول جنگ تحمیلی، تقریباً تأسیسات نفتی خارک هر روز مورد حمله هوایی عراق قرار می‌گرفتند، با این وجود این پایانه به طور عادی به صدور نفت خود ادامه داد. عراق هرگز در هیچ وقت به‌ویژه در سال‌های ۱۳۶۴ به بعد نتوانست صادرات نفت ایران را به طور جدی از جزیره خارک به مخاطره اندازد. ایران اگرچه به‌زعم مسئولان، قادر به تولید ۴ میلیون بشکه در روز بود، اما فروش نفت خود را به ۲/۵ تا ۱/۶ بشکه محدود می‌کرد. (فرهانی، ۱۳۹۳، جلد ۱: ۲۸۵-۲۸۴)

از این رو، پایداری خارک در برابر حملات به‌ویژه در طول سال‌های ۱۳۶۴، ۱۳۶۵ و ۱۳۶۶ مثال‌زدنی و زایدالوصف بود. بر این اساس اهداف نظامی عراق در توقف صادرات نفت ایران، خواه از تأسیسات نفتی خارک و خواه از دیگر مراکز صدور نفت کشور به شکست انجامید. بدین ترتیب، تلاش عراق برای جلوگیری از صدور نفت ایران نیز علی‌رغم استفاده ارتش عراق از پیشرفته‌ترین سلاح‌های فرانسوی برای انهدام پایانه نفتی جزیره خارک و سایر مراکز صدور نفت ناموفق بود. اگرچه در برخی مقاطع، صادرات نفت خارک در اثر حملات عراق تا ۴۰ درصد و از ۲/۵ تا یک‌ونیم میلیون بشکه به ۸۰۰ هزار بشکه در روز کاهش می‌یافت، اما عراق هرگز نتوانست جلوی صادرات نفت ایران را بگیرد. (انصاری و همکار، ۱۳۹۳، جلد ۲: ۱۷۰)

اما در اواسط سال ۱۳۶۶ و به‌ویژه در اوایل سال ۱۳۶۷ دخالت مستقیم آمریکا در جنگ به نفع عراق با هدف کاهش درآمدهای نفتی ایران از طریق جلوگیری از صادرات نفت ایران به یاری عراق آمد. بنابراین جنگ ایران و عراق که در سال ششم (شهریور ۱۳۶۴ تا شهریور ۱۳۶۵) با تغییر توازن به سود ایران همراه شده بود و این توازن در سال هفتم جنگ یعنی شهریور ۱۳۶۵ تا شهریور ۱۳۶۶ به سود ایران تثبیت شده بود (درودیان، ۱۳۸۰، جلد ۵: ۶-۵)، با مداخله آمریکا در جنگ در مهر ماه ۱۳۶۶ به تدریج به نفع عراق تغییر یافت.

ایران با مشاهده عزم آمریکا در لشکرکشی به منطقه، حضور در جبهه زمینی را کاهش داد و با قوای بیشتری وارد میدان نبرد خلیج فارس شد. متعاقب آن آمریکا بیش از پیش حضور نظامی خود را در منطقه افزایش داد، به گونه‌ای که تا پس از عملیات والفجر ۱۰ در تاریخ بیست‌و‌چهارم اسفند ۱۳۶۶ درگیری نظامی محدودی بین ایران و آمریکا در حمله به کشتی‌ها، نفت‌کش‌ها، هلی‌کوپترها و سکوها نفتی ادامه داشت. اما پس از پیروزی عملیات والفجر ۱۰ درگیری‌ها در خلیج فارس شدت گرفت و این‌بار ارتش آمریکا هدف‌دارتر و با خشونت بیشتر وارد میدان شد.

آمریکا در ۲۹ فروردین ۱۳۶۷ به سکوی نفتی رشادت، سلمان، مبارک و ناوهای ایرانی سهند و جوشن حمله کرد. (اردستانی، ۱۳۸۸: ۱۶۵-۱۶۶) بدین ترتیب حملات پی‌درپی و گسترده عراق در بهار ۱۳۶۷، حضور نظامی آمریکا در خلیج فارس، اقدام نظامی آمریکا علیه ایران، حمایت گسترده شوروی از عراق و افزایش توانایی نظامی عراق روند تحولات جنگ را به گونه‌ای ناگهانی و غافل‌گیرانه به زیان ایران و به سود عراق تغییر داد. (درودیان، ۱۳۷۸، جلد ۵: ۱۸) در این شرایط:

«هرچه از جنگ می‌گذشت، درآمد نفتی ایران و ظرفیت‌های اقتصادی کشور کاهش می‌یافت. مشکلات جدی اقتصاد کشور در سال‌های آخر جنگ به گونه‌ای شد که منابع ارزی دولت، کفاف اداره کشور و جنگ را نمی‌داد و دولت اعلام کرد که بودجه کشور توان حمایت از جنگ را ندارد.» (علایی، ۱۳۹۵: ۴۵۳)

بدین ترتیب مداخله مستقیم آمریکا به نفع عراق موجب استقرار گسترده ناوگان این کشور در خلیج فارس شد و ارتش ایالات متحده عملاً به یک طرف جنگ تبدیل شد و سکوها نفتی و قایق‌های تندرو سپاه و ناوهای جنگی ارتش و هواپیماهای مسافربری جمهوری پیوسته حمله کرد تا بدین وسیله فضای خلیج فارس را برای تحرک نظامی و نیز بهره‌برداری اقتصادی ایران ناامن کند. (علایی، ۱۳۹۵: ۴۵۳)

این شرایط دشوار، ایران را مجبور به پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل متحد کرد. می‌توان گفت عراق تا پیش از مداخله آمریکا و نیز همگرایی دو ابر قدرت، شوروی و آمریکا در لزوم پایان بخشیدن به جنگ، با وجود آن‌که از حمایت همه‌جانبه کشورهای غربی به‌خصوص تسلیحات روسی و فرانسوی و همچنین حمایت‌های بی‌دریغ اغلب کشورهای غربی و عربی در جلوگیری از صدور نفت ایران برخوردار بوده است، ناکام بود.

از این‌رو، دولتمردان و نخبگان ایران هم در اتخاذ «استراتژی‌های بازدارنده» که شامل «دریافت و ضبط نشانه‌های بحران» (وضعیت بحران) و «آماده و مهیا شدن برای ممانعت از وقوع بحران» (وضعیت سفید- وضعیت زرد)، و هم در «اتخاذ استراتژی‌های واکنشی» که مشتمل بر «مقابله با بحران پس از وقوع آن و محدود کردن دامنه خسارت آن» (وضعیت قرمز» و «بازسازی و ترمیم آثار بحران» (وضعیت آبی) کوشا و موفق بودند. بدین ترتیب آنان با «مدیریت بحران» (تلاش برای استقرار در وضعیت سفید»، قادر به توفیق در تدبیر بحران شدند. (رک: تاجیک، ۱۳۷۹: ۱۳۰)

نتیجه‌گیری

بحران به‌مثابه بیماری یک سیستم تعریف می‌شود که منفعت بازیگران عمده در آن است که آن سیستم را به حالت عادی خود باز گردانند. عرصه بحران، عرصه بازی هوشمندانه نخبگان و هنرنمایی و فن‌آزمایی آنان است. (رک: تاجیک، ۱۳۷۹: ۸۵ و ۸۷) در طول سال‌های جنگ ایران و عراق به‌ویژه سال‌های پایانی، نشانه‌های بحران در صدور نفت ایران توسط کارگزاران نظام دریافت شد. رژیم بعث عراق که در تحقق اهداف و مقاصد توسعه‌طلبانه خود در راه‌اندازی و تحمیل جنگ علیه ایران ناکام مانده بود، با ادامه جنگ قصد داشت شرایط را به گونه‌ای رقم بزند که ایران را مجبور به اعطای امتیازات گسترده گرداند. از این‌رو، در طول جنگ نیز سعی بلیغ داشت ایران را با تنگناها و بحران‌های پیچیده روبه‌رو سازد. در نتیجه آسیب‌پذیرترین و مؤثرترین بحران می‌توانست به صفر رسانیدن درآمدهای نفتی باشد.

در این راستا عراق از تمرکزگرایی تأسیسات نفتی ایران در جزیره خارک سوء استفاده کرد و این مراکز را تقریباً هر روز از همان آغاز جنگ بمباران کرد. در شروع کار، حملات مکرر عراق ناموفق بود و بمب‌های عراق به بیابان‌های اطراف جزیره اصابت می‌کرد و یا در آب‌های ساحلی فرو می‌افتاد. حتی در سال‌های نخست شروع جنگ هواپیماهای جنگی عراقی با هراس زیاد به حریم هوایی جزیره خارک تجاوز می‌کردند و ترجیح می‌دادند از فاصله دور و یا از ارتفاع

بالا بمب‌های خود را فرو ریزند و یا موشک‌های خود را به سمت سکوها و اسکله‌های خارک پرتاب کنند. اما به تدریج با تسلیح نیروی هوایی این کشور توسط سلاح‌های روسی و فرانسوی نشانه‌گیری عراق در آسیب رساندن به پایانه نفتی خارک دقیق‌تر شد، به گونه‌ای که عراق در سال‌های ۱۳۶۴ و ۱۳۶۵ توانست با تجهیز هواپیماهای دور برد به پیشرفته‌ترین موشک‌های هوا به زمین و نیز سیستم‌های رادارگریز صدمات جدی به تأسیسات جزیره خارک وارد کند.

بی‌شک شوروی با در اختیار قرار دادن انواع میگ‌های پیشرفته که هم ردیف هواپیمای اف-۱۶ آمریکایی بود و نیز فرانسه با واگذاری انواع هواپیماهای میراژ و اجاره جنگنده‌های فوق پیشرفته سوپر اتاندارد با شعاع عمل (رفت و برگشت) ۲۰۰۰ کیلومتر و مجهز کردن این کشور به اقسام موشک‌های هوا به زمین و سیستم‌های رادار گریز، نقش بسیار زیادی در چند برابر کردن قدرت رزمندگی نیروی هوایی رژیم بعث عراق داشتند.

مباران سهمگین پایانه نفتی خارک به‌ویژه در ۲۴ مرداد ۱۳۶۴، زنگ خطری برای ساختار متمرکز صدور نفت ایران بود. بر این اساس مقامات جمهوری اسلامی ایران به کمک متخصصان امر با تدبیر این بحران را از طریق تمرکززدایی و انبوه‌زدایی منابع صدور نفت مهار کردند و خطر کاهش درآمدهای نفتی ایران را که می‌توانست در آن مقطع ایران را به زانو درآورد، برطرف کردند. عراق که در اهداف نظامی خود در فلج کردن اقتصاد و تضعیف صادرات ایران ناکام مانده بود، با همکاری آمریکا جنگ را وارد مرحله دیگری کرد. آمریکا با مداخله مستقیم خود در جنگ ایران و عراق در اواسط سال ۱۳۶۶ و به‌ویژه اوایل سال ۱۳۶۷ به‌عنوان یک طرف جنگ، موازنه را به نفع عراق تغییر داد و شرایط را به گونه‌ای فراهم کرد که درآمدهای ارزی ایران به شدت کاهش یافت و سرانجام ایران مجبور شد که قطعنامه ۵۹۸ را بپذیرد.

در هر حال، تدبیر مقامات بلندپایه و ابتکارات متخصصان ایرانی در مهار بحران صدور نفت ایران در سال‌های ۱۳۶۴، ۱۳۶۵ و ۱۳۶۶ قابل تقدیر است. کارشناسان و تکنیسین‌های ایران و کارکنان صنعت نفت به سرعت شگفت‌انگیزی خسارات‌های ناشی از حملات را با پشتکار ترمیم می‌کردند. قدرت فنی ایران در ترمیم خرابی‌های حاصل از بمباران‌های هوایی عراق مثال‌زدنی بود؛ به گونه‌ای که ناظران بین‌المللی و رسانه‌های غربی به توانایی ایران در تعمیر و نگهداری از تأسیسات نفتی اعتراف می‌کردند. آنان مبهوت مقاومت ایران در مقابل حملات عراق بودند و با شدت حملات، تصور می‌کردند فروش نفت ایران به صفر خواهد رسید.

البته نباید نادیده گرفت رشادت مردان رزم در پدافند هوایی و نیز حفاظت نیروی دریایی ارتش و قایق‌های تندرو و پدافند موشکی سپاه پاسداران در مقابله با حملات رژیم عراق و همچنین سلحشوری خلبانان نیروی هوایی ارتش در تعقیب و درگیری هوایی و شکار هواپیماهای مهاجم رژیم بعث عراق به تأسیسات نفتی ایران به‌ویژه خارک ستودنی است. در عین حال، واکنش جمیع فعالان مقابله با بحران در آن مقطع تاریخی، می‌تواند به‌عنوان «یادگیری سازمانی»، به صورت مهارت و تجربه به کارگزاران و مسئولان بعدی منتقل شود. به سخن دیگر، از بحران صدور نفت ایران می‌توان به‌عنوان یک آزمایشگاه کوچک جهت بررسی عوامل و متغیرهای تعیین‌کننده در سیاست داخلی کشور و سیاست بین‌الملل بهره جست که می‌توان از آن نیز روش‌های نظری و تجربی مناسبی برای تعمیم در رخدادهای مشابه به‌دست آورد. (کومیز، ۱۳۹۲، جلد ۲: ۶۵۱؛ کاظمی، ۱۳۶۶: ۱۲۶-۱۲۷)

References

A) Book

- Alaei, hossein (2616): *analytical history of iran _Iraq war*, marzoboom publishing. (In Persian)
- Ansari, Mehdi and yahya foozi (1380): "Timeline of the Iran-Iraq war", Vol 44, McFarlin story, Tehran: center for studies of war of Islamic revolutionary guard corps. (In Persian)
- Ansari, mehdi, hamidreza Farahani (2014): "Timeline of the Iran-Iraq war", the Book of thirty and Ninth-vol. 2, Tehran: center for documents and researches. (In Persian)
- Ardastani, Hossain (2009): *confronting of strategies*, Tehran, center for documents and researches of holy defense of Islamic revolutionary guard corps. (In Persian)
- Behrooz, farhaad (2013): *history calendar of holy defense*, Vol 25, preparation and edit: center for holy defense researches of ground force of army, Tehran: Islamic revolution document center. (In Persian)

- Doroodian, mohammad (1999): *beginning till the end: an investigation in war of iran and Iraq* , Vol 5, Tehran:center for studies and researches of the war. (In Persian)
- Doroodian, mohammad (2001): *beginning till the end: an investigation in war of iran and Iraq* , Vol6,Tehran:center for studies and researches of the war, forth edition. (In Persian)
- Faraahani, hamidreza (2014): *Timeline of the Iran-Iraq war, the Book of thirty and Ninth-vol. 1*, Tehran: center for documents and researches of the holy defense. (In Persian)
- Jamshidi, mohammad hossein and Mahmood yazdan faam (2002): *timeline of the iran _iraq war*,Vol 77,Tehran: center for studies and researches of the war. (In Persian)
- Kazemi, aliasghar (1987): *International crisis management*, Tehran: Office of Political and International Studies. (In Persian)
- Koumis, timothy and sherry g holyday (2013): *Crisis Communication, vol. 1*, Tehran: Fars news agency. (In Persian)
- Koumis, timothy and sherry g holyday (2013): *Crisis Communication, vol. 2*, Tehran, Fars news agency. (In Persian)
- Lotfollah zaadegan, Alireza (2012): *Timeline of the Iran-Iraq war (First September- 30October 1361), moslem ebn aghil operation*,Vol 21, Tehran: center for documents and researches of the holy defense. (In Persian)
- Lotfollah zaadegan, Alireza (2014): *Timeline of the Iran-Iraq war, vol 22*, Tehran: center for documents and researches of the holy defense. (In Persian)
- Lotfollah zaadegan, Alireza, hadi nakhaei (1994): *Timeline of the Iran-Iraq war, vol 5*, Tehran: center for studies and researches of the war. (In Persian)
- Mohammadi, Manouchehr (2015): *Crisis management in the Islamic Republic of Iran, qom: office of nashr_e_maaref*. (In Persian)
- Nakhaei,haadi and hamidreza faraahani (2004): *Timeline of the Iran-Iraq war*,Vol37, center for documents and researches of the holy defense. (In Persian)

- Tajik, mohammadreza (2000): *crisis management*, Tehran: farhang_e_gofteman. (In Persian)
- Toffler, Alvin (1991): *powershift, Vol 1*, translated by shahindokht kharazmi, Tehran motatjem publishing. (In Persian)
- Toffler, Alvin (1997): *the third wave*, translated by shahindokht kharzmi, motarjem publishing, seventh edition. (In Persian)
- Toffler, Alvin and Heidi Toffler (1996): *creating a new civilization*, translated by hamidreza Jafari, Tehran: simorgh publishing. (In Persian)

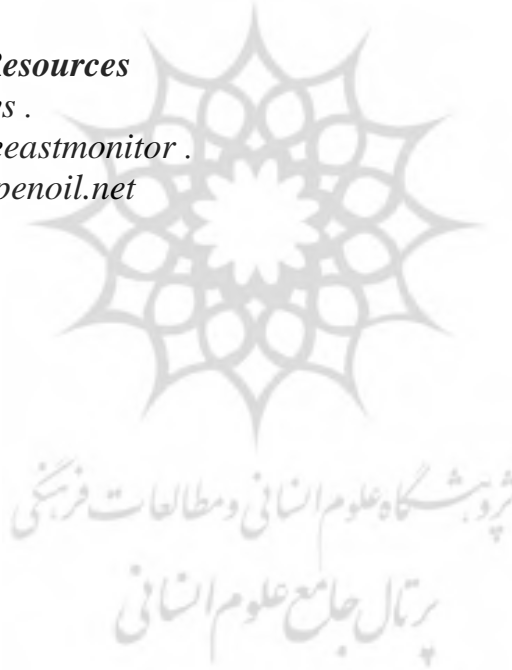
B) Bulletins

- *Events and Analysis*, political office of Imam's representative in Islamic revolutionary guard corps. Bulletin No.40, date 1361/04/01.
- *Events and Analysis*, political office of Imam's representative in Islamic revolutionary guard corps. Bulletin No 44, date 1361/06/22.
- *Events and Analysis*, political office of Imam's representative in Islamic revolutionary guard corps. Bulletin No 7, date 1364/02/19.
- *Events and Analysis*, political office of Imam's representative in Islamic revolutionary guard corps. Bulletin No 8, date 1364/03/16.
- *Events and Analysis*, political office of Imam's representative in Islamic revolutionary guard corps. Bulletin No 11, date 1364/06/22.
- *Events and Analysis*, political office of Imam's representative in Islamic revolutionary guard corps. Bulletin No15, date 1364/10/23.
- *Events and Analysis*, political office of Imam's representative in Islamic revolutionary guard corps. Bulletin No18, date 1365/01/24.

- *Events and Analysis, political office of Imam's representative in Islamic revolutionary guard corps. Bulletin No 19, date 1365/02/22*
- *Events and Analysis, political office of Imam's representative in Islamic revolutionary guard corps. Bulletin No 21, date 1365/04/24.*
- *Events and Analysis, political office of Imam's representative in Islamic revolutionary guard corps. Bulletin No27, date 1365/10/23.*
- *Events and Analysis, political office of Imam's representative in Islamic revolutionary guard corps. Bulletin No13, date 1364/08/25.*

c) Internet Resources

- www.ifpnews .
- www.middleeastmonitor .
- www.wiki.openoil.net



The crisis Management of Iran's oil exports during Imposed War

Majid abbasi (ashlaghi)¹

Saeed yaghoobi²

Abstract

Iran passed several crises during the imposed war, including the crisis management of oil exports and Efforts of the Ba'athist regime in Iraq and its allies in preventing the exports of Iran's oil and efforts to reduce financial resources. In this regard, the centralization of Iran's oil exports facilities in Kharg Island were considered to be a vulnerable point in Iran in this war. and Iraq considering to this point was in effort to reduce the source of foreign exchange earnings of country to zero. The reduction of foreign exchange resource and bringing of iran to the negotiation table while iran had not any diplomatic bargaining power was one of the most important Iraq's goals in repeated attacks on the facilities of kharg island. Thus, the main question of this research is ((How Iran could prevent and overcome the crisis of oil in Iran-Iraq war)). The author intends to analyze the method of crisis management of Iran's oil exports during the holy defense period by using a descriptive analytic process. The findings show that the high-rise officials of the country were in support of the people and initiatives of experts as well as the dedication of armed forces, controlled this crisis through decentralization and mass detoxification of Iranian oil centers. In fact, they designed a set of factors to cope with the consequences of the Iran's oil exports crisis and the discount of negative consequences. To coincide with the reduction of progressive vulnerability, growing capacities increase and the facilities

¹.Associate professor of international relations allameh Tabatabai University.

².Researcher of Islamic revolution studies research institute. (responsible author) Email: Saeedyaghoobi19@yahoo.com

and arrangements of the Iraq's regime to induce Iran to accepting the conditions and circumstances be ineffective. Thus, the crisis management provided the pressures of the opponent to impose neutral power and the transition field from the emergency and crisis situation to the ordinary.

Keywords: *crisis, crisis management, centralisation, decentralisation, oil facilities.*

